

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

پاسخ به پرسش‌هایی که پیرامون پرسش قبلی در مورد مرض کرونا مطرح شده است!

(ترجمه)

به پرسش‌کنندگانی که پیرامون برخی جزئیات پرسش قبلی زیر عنوان «پیامدهای ویروس کرونا» پرسش‌هایی را مطرح کرده‌اند:

1- نسبت به تفاوت بین وباء و طاعون و بین کرونا و طاعون؛ باید گفت که از دید همه‌گیر بودن در میان‌شان تفاوتی نیست. طاعون و کرونا دو مرضی هستند که در هردوی آن‌ها امکانات همه‌گیر شدن وجود دارد؛ چنان‌چه الله قوی و عزیز این دو مرض را با این ویژگی آفریده است. قطع نظر از این که مرض باکتریایی است و یا ویروسی. پس ویژگی و خصوصیت همه‌گیر شدن در هر دو مرض موجود بوده و از این جهت حکم این دو مرض با هم مختلف نیست.

2- در رابطه به پرسشی که در قسمت از پاسخ قبلی، پیرامون عدم ساخت ویروس کنونی کرونا اشاره شده و پرسش‌کننده گفته است که: "این سخن بنا به اعتماد بر گزارشات غربی بیان شده و نباید به آن متمایل شد." باید گفت که این دقیق نیست؛ چون امکان این وجود دارد که جنبه‌های علمی را از هر بُعد و جهتی که به آن اطمینان حاصل می‌شود، با ترجیح بُعد درست آن گرفته و به آن اعتماد کرد. از این رو، در این که کرونایی که باعث انتشار و انتقال بیماری شده و ساخت بشر نیست؛ هیچ‌گونه اعتماد بر گزارشات غربی نشده؛ بلکه این ویروس بدون آن که بشر به ساخت آن پرداخته باشد، به صورت طبیعی موجود است. چنان‌چه در پاسخ قبلی آمده و ما وجود طبیعی این مرض را بر این قول که بشر آن را برای اهدافی ساخته است، ترجیح دادیم. خاصاً پس از آن که مرض در کشورهای متهم به ساخت آن؛ مانند: چین، امریکا و... انتشار گسترده‌ای یافته است. ما در پاسخ به پرسشی قبلی گفته بودیم:

«به این ترتیب، جنگ زبانی میان امریکا و چین به دلیل انتشار ویروس تاج‌دار Covid19 – SARS CoV2 آغاز گردید و هریک از این دو دولت، طرف مقابل را متهم می‌کنند که سبب مستقیم انتشار این بیماری بوده‌اند. هرچند از نظام‌هایی که در چین و ایالات متحده حاکم است، بعید نیست که در عقب گسترش این بیماری باشند؛ اما بعد از تحقیقات، گمان اغلب این است که دلیل محسوسی وجود ندارد که چین یا ایالات متحده، عامل انتقال این ویروس و یا طراح و سازنده آن بوده که بعداً شروع به انتشار آن در سایر مناطق کرده باشند...» پیرامون این مورد در آن پاسخ، به تفصیل پرداخته شده و برای معلومات بیشتر می‌شود به آن مراجعه کرد.

3- برپایی نماز جمعه در مسجد جواز دارد و اما عده از فقها برپایی آن را در فضای عام جواز داده‌اند؛ یعنی مکان عامی که نمازگزار از ورود به آن منع کرده نمی‌شود. اما در اماکن خصوصی (خانه‌ها) رأی ارجح آن است که نماز جمعه در آن‌ها اقامه نشده و درست هم نمی‌باشد. اگر مسجد و فضای عمومی به سهولت یافت نمی‌شود، چهار رکعت نماز پیشین (منظور نماز فرض است)، در خانه اداء کرده شود. اگر دولتی مانع برپایی نماز در مسجد و یا فضای باز شود، گنه‌کار خواهد شد؛ چون: نصوص وارده در این مورد افاده این امر را می‌کند؛ چنان‌چه از این فرموده الله سبحان و تعالی این امر دانسته می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ﴾ [جمعه: 9]

**ترجمه:** ای مومنان! هنگامی که روز جمعه برای ادای نماز، اذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت الله بشتابید و داد و ستد را رها کنید. این برای شما بهتر و سودمندتر است؛ اگر متوجه باشید.

مسلمان باید برای ادای نماز سعی نماید، بدون این که از پرداختن به آن باز داشته شود. سعی برای ادای نماز فرض است؛ چون: به قرینه ترک مباح (بیع) وارد شده است. یعنی در اماکن خصوصی؛ مانند: خانه‌ها، نماز جمعه اقامه نمی‌شود و جایز است که از ادای نماز جمعه در خانه‌ها ممانعت صورت گیرد. از این رو، در پاسخ پیشین گفته بودیم که قفل نمودن مساجد و بازداشتن مردم از ادای نماز در آن‌ها، امری نادرست بوده و گناه این کار بر دوش حکامی ست که دست به این کار زده‌اند. بناءً، اگر حکام و مقامات دولتی از اقامه نماز جمعه در مساجد جلوگیری می‌نمایند و جایی وسیع و مناسبی غیر از خانه‌ها هم وجود نداشته باشد؛ پس چهار رکعت نماز پیشین در خانه ادا کرده شود. البته دولتی که مساجد را بسته می‌نماید، مرتکب گناه بزرگی می‌شود؛ چنان چه در پاسخ قبلی یادآوری نموده بودیم.

4- اما این پرسش که: «امروز نماز جمعه و جماعت به دلیل ترس از ظلم حکام ترک می‌شود؛ چنان چه من دانسته‌ام و الله از همه داناتر است» این امر به اندکی شرح و تفصیل نیاز دارد. در پاسخ قبلی ما آمده است: «جمعه بالای کسی که از حضور در آن ترسی دارد واجب نیست، به دلیل روایتی که ابن عباس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل نموده که فرمود:

«مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا مِنْ عُدْرٍ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْعُدْرُ؟ قَالَ: خَوْفٌ أَوْ مَرَضٌ»

**ترجمه:** کسی که ندای اذان را شنید و آن را استجابت نکرد، نمازی از او پذیرفته نخواهد شد؛ مگر در صورت عذر. گفتند: یا رسول الله! عذر چیست؟ فرمود: ترس یا مرضی. این حدیث را بیهقی در سنن کبری روایت نموده است.

اما ترس؛ چنان چه در «المغنی» از ابن قدامه جلد 1 صفحه 451 آمده است: «فصل: در این که نماز جمعه و جماعت ترک شود، ترس، عذر پنداشته می‌شود. نظر به این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: «عذر یا ترس است و یا مرض»، ترس به سه گونه است: ترسی از دست دادن جان، ترسی از دست دادن مال و ترس بر اهل و خانواده. اما مورد اول؛ یعنی ترس از جان، این است که شخصی برای حفاظت جانش از حاکم و یا قدرت‌مندی و یا از دشمن و یا از هرآن چه در جانش به او آسیب می‌رساند، بترسد. هم‌چنان در «المهذب فی الفقه الامام الشافعی» از شیرازی آمده است: «...از جمله ترس‌ها یکی این است که شخصی از رسیدن آسیبی به جان و مالش هراس داشته باشد و یا بیماری که همراه با آن، انجام عملی دشوار گردد؛ به دلیل آن چه ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده است که فرمود: «کسی که ندای اذان را شنید و آن را استجابت نکرد، نمازی از او پذیرفته نخواهد شد؛ مگر در صورت عذر. گفتند: یا رسول الله! عذر چیست؟ فرمود: ترس یا مرضی.»

یعنی هرگاه فرد مسلمان ظلم و ستمی را از جانب حاکم متوجه شخص خود دید، در ادای نماز جمعه معذور پنداشته می‌شود. چون متیقن شد و یا به گمان غالب به این نتیجه رسید که دار و دسته حاکم در مسجد منتظر او هستند تا با رفتن اش بدان جا او را دست‌گیر و اذیت نمایند، شخصی مذکور از ادای نماز جمعه در آن مسجد معذور دانسته شده و باید در جست‌وجوی مسجدی دیگری باشد که در آن جمعه خوانده می‌شود. اگر بعد از سعی و تلاش به این هم دست نیافت، معذور دانسته شده و باید چهار رکعت نماز پیشین را در مکان خاص ادا نماید. اگر پرسش‌گر از پاسخ ما این فهم را درک کرده باشد؛ پس فهم درست و صحیح است و الله از همه دانا و حکیم است.

5- برخی‌ها حدیث «لَا عُدْوَى...» را که بخاری تخریج نموده است به نفی واگیر بودن تعبیر می‌کنند؛ اما راجح این‌ست که حدیث مذکور خبری‌ست که افاده طلب را می‌نماید. پس اگر مسلمانی به بیماری واگیری گرفتار شده بود، در این حالت، وی از رفتن به نماز جمعه و جماعت به دلیل این‌که مبادا باعث انتشار بیماری به نمازگزاران شود، معذور دانسته می‌شود. این هم از جمله عذرهای‌ست که در حدیثی قبلی بدان اشاره شده: «الْعُدْرُ خَوْفٌ أَوْ مَرَضٌ»

6- حدیث «إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا»؛ یعنی: چون بنده مسلمانی بیمار شود و یا سفر نماید، برای او اجری نوشته می‌شود که در هنگام اقامت و تندرستی‌اش با انجام اعمال خیر، شامل حالش‌اش می‌شد. این حدیث را بخاری روایت نموده است. این حدیث نسبت به مسافر و مریض است؛ یعنی کسی که از ادای جمعه و جماعت معذور پنداشه شده است. مسافر و مریض آن‌گونه که شریعت برای‌شان در نظر گرفته، ادای تکلیف نموده و نماز خود را ادا می‌نمایند که در آن حالت به اذن الله سبحانه‌وتعالی پاداش مقیم و تندرست برای‌شان داده می‌شود. از این جهت، این حدیث بر صحت‌مند و مقیمی که بدون عذر به جماعت نمی‌رود، قابل تطبیق نیست.

7- اما اعتراض بر این گفته ما که حداقلی تعداد نمازگزار در نماز جمعه سه نفر است؛ درحالی که شافعی چهل نفر گفته، این بحث جداگانه است و علاوه بر آن در نزد مالکی‌ها کم‌ترین تعداد دوازده نفر گفته شده است. پس این‌جا تعارض و تناقضی دیده نمی‌شود؛ بلکه قضیه متعلق به نسبتن مساجد است تا نمازگزار. جمعه و جماعت را با همان تعداد که شریعت معین نموده است ادا نماید، با در نظر داشتن این‌که یک رأی فقهی درست و صواب دیگر هم وجود دارد که سه نفر می‌توانند نماز جمعه را ادا نمایند؛ چنان‌چه در پاسخ به آن اشاره نموده بودیم.

8- اتخاذ تدابیر و استفاده از اسباب، امری‌ست درست و پسندیده؛ اما نباید تدابیری گرفت که در مخالفت با شریعت قرار داشته باشد. تدابیر در این بخش این‌ست که شخصی مریض برای ادای جمعه به مسجد نرود و صحت‌مندان بروند. در پاسخ قبلی، ما به حد کافی به این امر پرداخته‌ایم که نباید دروازه‌های مساجد بسته شود تا این‌که افراد صحت‌مند بتوانند برای ادای نماز به مسجد بروند و تدابیر قسمی گرفته شود که اشخاص مریض به بیماری‌های واگیر در مسجد حضور پیدا نکنند و این مسأله واضح و روشن است. این درست نیست که بگوییم: شاید افراد سالم هم به مرض کرونا مصاب شده باشند؛ اما علایم و نشانه‌های آن ظاهر نشده باشد، که در این صورت همه باید از رفتن به مساجد جلوگیری شوند؛ یعنی همه ساکنین کره زمین باید ممانعت شوند! این سخنی‌ست که برای تأیید آن؛ نه حجتی وجود دارد و نه هم گمان غالب چنین حکم می‌کند. فردی که به گونه قطعاً و یقینی و یا به گمان غالب به مرض واگیر مبتلا شده، از رفتن به مسجد جلوگیری شده و متباقی نماز خود را به جماعت ادا نمایند.

9- اما این قول که ویروس کرونا همانند انسان ستون فقرات ندارد، بلی همین‌طور است؛ مگر ارتباط برجستگی‌ها و برآمدگی‌ها در این مخلوق، باعث آن شده تا در زبان انگلیسی به آن (backbone) اطلاق شود که معنای طبی آن در عربی (العمود الفقری) یا ستون فقرات است. این نام‌گذاری از جهتی شباهتی‌ست که ارتباط و پیوند با ستون فقرات در انسان دارد. این نکته را این‌گونه باقی گذاشتیم و به آن نپرداختیم و گمان هم نمی‌کردیم که این نکته جای سوال داشته باشد.

10- نسبت به غسل میت باید گفت که حکم شرعی پیرامون آن قرار ذیل است:

الف- قول راجح در این زمینه این‌ست که غسل میت فرض کفایی است. دلائل این رأی:

- پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد مُحْرَمی که شترش گردن او را شکسته و در نتیجه وفات نمود، فرموده است: «اغسلوه بِمَاءٍ وَسِدْرٍ وَكَفَّنُوهُ فِي ثَوْبَيْهِ»؛ یعنی: او را با آب و سدر غسل دهید و در هردو لباسش، کفن اش نمایید. این حدیث را بخاری از ابن عباس روایت نموده است.

- هم‌چنان برای زنی که دخترش را غسل می‌دهد، فرموده است: «اغسلنها وترأ ثلاثاً أو خمساً»؛ یعنی: او را تاق، سه و یا پنج‌بار غسل دهد.

- از این دو حدیث دانسته می‌شود، کسانی که به این امر؛ یعنی غسل میت می‌پردازند، تعداد از مسلمان‌های هستند که برای این امر کفایت می‌کنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم به این امر اکتفاء نموده و در طول زندگی خود بر این حکم مداومت داشته و از غسل دادن مرده‌ها جز شهیدی که در میدان جهاد کشته می‌شود کسی را استثنا نکرده است. پس غسل دادن میت فرض کفایی است.

ب- به آن‌چه در بالا گفته شد، اکثریت فقها اتفاق نظر دارند:

- در «مبسوط» از سرخسی آمده است: «بدان که غسل میت واجب است و آن از جمله حق مسلمان بر مسلمان است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «یک مسلمان بر مسلمان دیگر شش حق دارد» که از جمله آن‌ها یکی این است که پس از مردن اش او را غسل دهد؛ اما اگر برخی از مسلمان‌ها به این حق پرداختند، به دلیل برآورده شدن هدف، از ذمه باقی مسلمان‌ها ساقط می‌شود.»

- امام شافعی در کتاب «الام» گفته است: «غسل میت، نماز جنازه و دفن اش، حقی است بر بالای مردم که باید بدان بپردازند؛ اما این همه‌ای مردم را در بر نمی‌گیرد. هرگاه تعداد از آن‌ها به این پرداختند در این کفایت است. إن شاء الله!»

- در «شرح کبیر» از ابن قدامه آمده است: «فصل پیرامون غسل میت- مسأله: غسل میت، تکفین، تدفین و نماز بر او فرض کفایی است؛ چون: پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد مُحْرَمی که شترش گردن او را شکسته و در نتیجه وفات نمود، فرموده است: "او را با آب و سدر غسل دهید و در هردو لباسش، کفن اش نمایید." این حدیث را بخاری و مسلم روایت نموده‌اند.

ج- هرگاه غسل میت بنا بر عواملی، دشوار و متعذر شود؛ مانند: نبود آب، سوختن جسدش که اگر با آب شسته شود تکه و پاره شود و یا مصاب به امراض؛ مانند: جذام، طاعون، کرونا و دیگر امراضی که هرگاه غسل داده شود، احتمال انتقال آن به افراد غسل‌دهنده موجود باشد، در این بخش ما نمی‌خواهیم رأیی خاصی را تبیین و اختیار نماییم؛ بلکه هرکس از مذهب و رأی فقهی که به آن آرامش و اطمینان دارد، تقلید نماید. من برخی دیدگاه‌های شرعی فقها را در این جا بازگو می‌نمایم:

- حنفی‌ها به این نظراند که اگر غسل میت بنا بر نبود آب باشد، توسط خاک تیمم داده شود؛ چنان‌چه در «العنایه» جلد 16 صفحه 262 این‌گونه آمده است: «کسی که بنا بر نبود آب غسل اش ناممکن شود، با خاک پاک تیمم داده می‌شود.» اگر غسل اش به سبب مساس نمودن و لمس کردن، متعذر و ناممکن گردد؛ پس بر بالای او آب ریزانده شود؛ چنان‌چه در «مراقی الفلاح» آمده است: «وَرَمَ كَرْدَهُ أَيْ كَرْدَهُ أَنْ رَأَى زَيْلَهُ نَشُوهُ، بَلَدٌ بَرَّ بِأَلْبَسِهِ آبَ رِيزَانَدَهُ شُوهُ.»

- مالکی‌ها به این نظراند که اگر غسل میت به دلیل نبود آب ناممکن شود، تیمم داده شود و اگر به سبب زخم‌ها، سوختگی، گری و یا آبله‌ای که بر بدنش هست، غسل اش ناممکن گردد و اگر غسل داده شود باعث شکستن و پارچه شدن اش می‌شده

باشد؛ در این صورت به قدری که باعث شکستن و از هم پاشیدن اش نگردد، بالایش آب انداخته شود. اگر انداختن آب هم بر او ناممکن باشد، تیمم داده شود؛ چنانچه در «شرح کبیر» از شیخ احمد درّیر که بر بالای «مختصر خلیل» نگاشته شده، این چنین آمده است.

- شافعی‌ها به این نظراند که هرگاه غسل میت بنا بر عامل از عوامل ناممکن گردد؛ مانند: نبود آب و یا ترس متلاشی شدن جسدی کسی که سوخته است؛ در این حالات میت غسل نه؛ بلکه تیمم داده می‌شود. حتی آن‌ها پیش‌تر رفته و گفته‌اند که هرگاه با غسل دادن میت به غسل‌دهنده آسیبی برسد؛ در این حالت میت به طور حتمی و الزامی باید تیمم داده شود. نووی رحمه الله در «المجموع» گفته است: «هرگاه غسل میت به سبب نبود آب و یا سوختگی ناممکن گردد، به این حد که اگر غسل داده شود، جسدش متلاشی گردد؛ در این صورت غسل داده نمی‌شود؛ بلکه تیمم داده می‌شود و این واجب است؛ چون: این پاکی به نابود کردن نجاستی تعلق ندارد و باید از شستن توسط آب منصرف شده، تیمم داده شود؛ مانند: غسل جنابت. اگر توسط چیزی گزیده و یا نیش زده شده باشد که اگر غسل داده شود باعث از هم پاشیدن جسد گردد و یا بر غسل‌دهنده ترسی باشد؛ در این صورت نیز باید تیمم داده شود.»

- اما حنبلی‌ها: از آن‌ها دو دیدگاه نقل شده است. دیدگاه و روایت نخست: «در صورتی که غسل میت با مالش دادن ناممکن گردد، بر یک روش نیکویی بر او آب ریزانده شود، بدون این که جسدش مالش داده شود و اگر این هم ممکن نبود، تیمم داده شود.»

دیدگاه و روایت دوم آن‌ها می‌گوید: «هرگاه غسل میتی متعذر و ناممکن شود، تیمم هم داده نمی‌شود و بدون غسل و تیمم بر او نماز گزاریده می‌شود؛ چون: هدف از غسل پاک کردن است که توسط تیمم به دست نمی‌آید.»

- شیخ محمد ابن محمد المختار الشنقیتی در شرح «عمده الفقه» گفته است: «کسی که دارای بیماری واگیری باشد که به دیگران آسیب می‌رساند و این نسبت به آسیب رساندن به میت است و گاهی آسیب به شخص زنده‌ای غسل‌دهنده می‌باشد؛ این گونه که نظر به گواهی اهل خبره و متخصصین؛ اگر کسی مسؤولیت غسل دادن بیماری را که مرض واگیر دارد، به دوش گیرد، آسیب‌پذیر می‌شود؛ در این صورت باید تیمم داده شود.»

پس چنان که می‌بینید، این جا دو نظر وجود دارد: هرگاه غسل دادن میت ناممکن شود، تیمم داده، بر او نماز خوانده و دفن گردد. نظر دوم این که چون غسل دادن میتی ناممکن گردد، تیمم داده نشده؛ بلکه بر او نماز خوانده شده و دفن شود. چنانچه در آغاز این بخشی از پاسخ گفتیم که هر مسلمان به هر یکی از این دو نظر که اطمینان و آرامش پیدا می‌کند، تقلید و پیروی نماید.

11- در پایان، این که ما در عقائد و عبادات تبنی نمی‌کنیم، صحیح و درست است. مگر در عقیده اساسی و عباداتی که متعلق به وحدت امت باشد؛ مانند: روزه و عید در هنگام دیدن هلال در هر سرزمینی و هم‌چنان این جا در قضیه بستن مساجد، واجب آنست که در اوقات نمازهای فرضی، مساجد باز گذاشته شود؛ چنانچه در قسمتی از پاسخ بدان پرداختیم.

**برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته**

11 اپریل 2020 م.

#کرونا

#Covid19

#Korona